

## حجیت سنت پیامبر ﷺ از زبان قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۵ - تاریخ تأیید: ۹۶/۲/۲۰

مرتضی حائری شیرازی\*

### چکیده

حجیت سنت پیامبر ﷺ دلیلی برای عمل کردن به آن است. این، عقیده بیشتر مسلمانان و پیش‌نیاز برخی از بحث‌های علوم اسلامی است. اثبات حجیت سنت در تبیین دین اسلام، کتاب خدا و هدایت بشر، نقش اساسی دارد. برای اثبات این حجیت، روش‌هایی وجود دارد؛ بهره‌مندی از آیه‌های قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین روش‌هاست. خداوند در قرآن، انسان را در تکاپوی تکامل، به بهره‌گیری از سنت پیامبر خویش دعوت و او را به‌عنوان الگوی عملی انسان معرفی کرده است. در همین راستا، با گردآوری و موضوع‌شناسی آیات در موضوع حجیت سنت پیامبر، نگاهی قرآنی و نسبتاً جامع به حجیت سنت در ابعاد مختلف به‌وجود آمد. نوشتار حاضر با روش کتابخانه‌ای به معرفی گونه‌های کلی پرداخته و با ذکر چند نمونه‌ی معروف از آن‌ها و ارائه تحلیلی مختصر به تبیین حجیت سنت پیامبر ﷺ از زبان قرآن کریم پرداخته است. در میان گونه‌های به‌دست‌آمده، تأکید قرآن بر عصمت پیامبر ﷺ، اثبات برتری ایشان و لزوم تبعیت از چنین شخصیتی، مهم‌ترین سرفصل‌های این نوشتار به‌شمار می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** عصمت، برتری پیامبر ﷺ، تبعیت از رسول، حدیث نبوی، حجیت سنت.

---

\* پژوهشگر مرکز تخصصی حدیث حوزه و دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث؛ (m.haeri.sh@live.com).

## مقدمه

نگاه به قدمت هزار و چهارصدساله حدیث و توجه ویژه عالمان و دانشمندان به این پدیده، پرسشی را به ذهن می‌آورد که چرا این جملات از دیرباز تاکنون، دارای چنین اهمیتی در میان بزرگان دین بوده و هست؟ و در مقابل چرا برخی، توجه به اهمیت آن نداشته و حتی از دایره اعتبار خارج کرده‌اند؟! در جواب به این سؤال می‌توان به اثربخشی حدیث بر اندیشه و رفتار انسان‌ها و در نتیجه روشن‌گری مسیر سعادت بشر اشاره کرد.

عقل و قرآن دو عنصر مهم حجیت‌بخشی به سنت و حدیث به شمار می‌روند. حجیت‌بخشی به معنای پشتوانه‌ای برای انجام عمل و پاسخی به چرایی آن کار است. مرور آیه‌های قرآن روشن‌گر این مطلب است که خداوند در این کتاب، به بیان‌ها و روش‌های مختلف، درباره اهمیت دریافت سنت پیامبر ﷺ به‌عنوان آینه‌ای از دستوره‌های خود، تبیین معارف قرآنی و معرفی اسوه در مسیر سعادت بشر، سفارش کرده است. روشن است که حدیث، حکایت سنت پیامبر اکرم ﷺ است. پس بحث از حجیت سنت به حجیت حدیث تأثیر می‌گذارد.

سنت به‌عنوان دومیین منبع کسب معارف نورانی الهی، از همان ابتدا، مورد توجه‌های گوناگون قرار گرفت، به طوری که در برخی مذاهب، وجاهت آن با دلایلی واهی، کم‌رنگ شد. مهاجمان به ساحت سنت پیامبر ﷺ، با حجت دانستن قرآن به‌تنهایی، خود را از بهره‌مند ساختن از آن معارف محروم کرده‌اند. در مقابل، بزرگانی از عالمان و دانشمندان شیعه و اهل سنت در آثار خود، به کمک برهان‌هایی محکم از قرآن و عقل، به مقابله با این تفکر برخاسته، درصدد اثبات لزوم تمسک به سنت نبوی در کسب معارف دین برآمده‌اند. به خصوص در علوم همانند فقه و کلام که سنت و حدیث از اصول آن علوم به شمار می‌آید، از حجیت آن‌ها و بهره‌گیری از آن در علم مورد نظر بحث شده است. اما به دلیل این که در اثبات مطالب خود، تنها معرفی برخی از آیات معروف را کافی دانسته و به استدلال آن‌ها بسنده نموده‌اند، این ضرورت را پررنگ کرد که با تحقیقی در کل قرآن، آیات بیشتری در این عرصه استخراج و دسته‌بندی شود تا جلوه روشن‌تری از اهمیت سنت نبوی در قرآن نمایان گردد.<sup>۱</sup> کتاب «مبانی شناخت حدیث از

۱. بیش‌تر کتب اصولی در بحث حجیت سنت نبوی ﷺ به ذکر شماری از آیات پرداختند. برای نمونه رک: *الاصول العامة فی الفقه المقارن*.

دیدگاه فریقین» از سید محمدکاظم طباطبایی منتشرشده در دانشکده مجازی علوم حدیث، دسته‌بندی چهارگانه از آیات دال بر حجیت سنت ارائه داده و برخی آیات مرتبط را در هر بخش جمع‌آوری کرده است. هم‌چنین عبدالغنی عبدالخالق از دانشمندان معاصر اهل سنت و استاد دانشگاه‌های سعودی، عراق، مغرب و لیبی، در رساله دکتری که با عنوان کتاب *حجیه السنه* منتشر شده؛ در ضمن بحث از ادله‌ی قرآنی، پنج نوع از آیات را به‌عنوان دلیل بر حجیت سنت ارائه داده است. علاوه بر منابع ذکر شده به‌عنوان پیشینه‌ی بحث، در نوعی دیگر از آثار قرآنی، می‌توان به دانش‌نامه‌های قرآنی اشاره کرد که در ذیل نمایه‌های خود، آیاتی پیرامون شخصیت پیامبر ﷺ را جمع‌آوری نموده‌اند ولی به‌طور ویژه، نگاهی به بحث سنت و حجیت آن یافت نمی‌شود. از آن میان، کتاب *جان جهان، پیامبر اعظم ﷺ* است که در عین جامع بودن استخراج و چینش آیات در موضوعات مرتبط با پیامبر خدا ﷺ، در خصوص بحث تخصصی این نوشتار، بخشی جداگانه اختصاص نداده است.<sup>۱</sup> بنابراین پژوهش حاضر، به دنبال اثبات حجیت سنت، پس از مطالعه کل قرآن کریم و جمع‌آوری آیه‌های مرتبط و دسته‌بندی موضوعی آن‌ها، در قالب مقاله و چینش موضوعی نوین، به بحث از برخی از آن موارد پرداخته و با بیان گونه‌ها و زیرمجموعه‌ها، درصدد آن است که نسبت به سایر نگاه‌ها در این زمینه، نگاهی مختلف و آیاتی دیگر را بیان کند. تفاوت را می‌توان در نوع نگاه و بیان برخی موضوعات جزئی‌تر نسبت به حجیت حدیث بیان کرد.

ترسیم اهمیت سنت در قرآن، با نگاه به چگونگی عصمت پیامبر ﷺ و مراتب پاکدامنی ایشان روشن می‌شود. پذیرش یا رد این دیدگاه ارتباط مستقیم با بحث حجیت سنت دارد. پس از بحث عصمت، بیان افضلیت پیامبر ﷺ و لزوم تبعیت از چنین شخصیتی، دیدگاه حجیت بخشی قرآن به سنت است که با پذیرش ارزش والای سنت پیامبر ﷺ در راستای هدف هدایتگری قرآن، می‌توان پس از اطمینان صدوری حدیث و عمل به آن، راه سعادت را پیمود.

### الف) آیات گویای عصمت پیامبر ﷺ

مراجع لغت عرب، عصمت را حفظ، نگهداری و منع معنا کرده‌اند<sup>۲</sup> و در آن اختیار و اراده را لازم

۱. ر.ک: *جان جهان پیامبر اعظم ﷺ*.

۲. الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۸۶.

دانسته‌اند؛ چرا که منع، فقط در صورت عذرِ فاعلِ قادر به وجود می‌آید. <sup>۱</sup> در آیه «وَاللَّهُ يَعِصُكَ مِنَ النَّاسِ» نیز عصمت با ارادهٔ فاعل همراه است؛ بنابراین پیام «پیامبران معصوم‌اند» این است که آنان خود را از هرگونه رذیلت و پلیدی دور نگه می‌دارند.

اثبات عصمت، لزوم نبودِ خطا در کلام و رفتار ایشان را در پی داشته و در مقابل، عدم پذیرش عصمت در پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بی‌اعتمادی به سنت را نتیجه می‌دهد. این امر مهم‌ترین و اولین <sup>۲</sup> دلیل برای حجیت سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است چرا که بدون استدلال به عصمت پیامبر دیگر جایی برای بحث حجیت باقی نمی‌ماند.

با توجه به آیات قرآن و حیطةٔ نبوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌توان عصمت را به دو گونه: عصمت در دریافت و ابلاغ وحی و عصمت در فعل و قول غیر قرآنی آن حضرت تقسیم کرد.

## ۱. عصمت در دریافت و ابلاغ وحی

پاک دامنی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌توان از دو منظر بررسی کرد؛ یکی اعمال مرتبط با وحی و معارف الهی که ارتباط مستقیم با هدایت دارد؛ در مقابل، اعمال عادی و روزمرهٔ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در ظاهر ارتباطی با وحی ندارد، اما بیانگر جزئیاتی است که در قرآن نیامده است. قرآن می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَنِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛<sup>۳</sup> به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.<sup>۴</sup>

«يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» دربارهٔ قسمت اول یعنی مرتبهٔ عصمت در دریافت وحی و ابلاغ آن است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آیات خدا را همان‌طور که مورد رضایت خداوند بوده، برای مردم تلاوت می‌کند. اگر رضایت خداوند به همراه نبود، این گونه خبر قطعی از تلاوت آیات توسط خدا وجود نداشت. چنین پیامبری اگر نتواند همان‌گونه که وحی را دریافت کرده به مردم ابلاغ کند، هیچگاه

۱. الفروق فی اللغة، ص ۱۰۴.

۲. مانده، آیه ۶۷.

۳. حجیة السنة، ص ۲۷۹.

۴. آل عمران، آیه ۱۶۴.

۵. ترجمه‌ی آیات قرآن در این نوشتار برگرفته از ترجمه‌ی استاد فولادوند است.

مأموریت خود، یعنی هدایت امت را به سرانجام نمی‌رساند. از طرفی دیگر، مخاطبان پیامبر ﷺ نیازمند آرامش خاطر از تغییر نیافتن کلام خالق خود هستند. کلامی که غیرمستقیم

به واسطه پیامبر ﷺ از جانب خدا برای ایشان خوانده می‌شود. خدای تعالی می‌فرماید:

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا بُرْءَانٍ غَيْرِ هَٰذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَايَ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ<sup>۱</sup> و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنان که به دیدار ما امید ندارند می‌گویند: قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را عوض کن. [ای پیامبر] بگو: مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آن چه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.

این آیه به روشنی ابلاغ درست وحی الهی را وظیفه اصلی پیامبر ﷺ بر شمرده و ایشان را از هرگونه دستبرد و تغییر در آن متن دور نگه داشته است. روایتی درباره این آیه وارد شده که برخی اصحاب رسول خدا در واقعه‌ای، خواستار فردی جایگزین برای علی بن ابی طالب رضی الله عنه بوده‌اند. پیامبر ﷺ در جواب آن‌ها این آیه شریفه را تلاوت کرده و می‌فرماید: اراده خداوند دقیقاً همین بوده و من فقط به وحی عمل می‌کنم.<sup>۲</sup>

سنجش عصمت در دریافت وحی و ابلاغ آن، ارتباط مستقیم با پذیرش حجیت قرآن کریم دارد. فرض این نوشتار بر پذیرش حجیت قرآن است و هدف، بیان حجیت سنت نبوی ﷺ توسط آیات الهی است. اطمینان از عصمت رسول خدا، در دریافت و ابلاغ وحی در مسیر هدایت بشر، جزء لازم این پیش فرض است؛ چرا که آیات قرآن توسط وحی به قلب رسول خدا تابیده شده و ایشان موظف به رسانیدن دقیق آن حتی در عین الفاظ بوده‌اند.

از جمله آیاتی که در این قسمت حائز توجه است؛ آیاتی است که با فعل امر «قل» به پیامبر ﷺ دستور داده تا مطلبی را بگوید. این آیات دو مطلب را می‌رساند، یکی گرفتن عین دستور خداوند توسط پیامبر ﷺ و دوم ابلاغ عین همان دستور است. چرا که قرآن با آوردن فعل امر «قل» و بلافاصله مقول قول، از هر دوی آن‌ها خبر داده است.<sup>۳</sup> این دسته از آیات که تعداد

۱. یونس، آیه ۱۵.

۲. رک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۱۰.

۳. تعداد آیات «قل» در این بحث، بیش از دویست و پنجاه مورد است.

آن‌ها بیش از دویست و پنجاه مورد است؛ همگی اقوال پیامبر ﷺ که ناظر به هدایت است را بیان می‌کند.

علاوه بر آیات فوق، آیات دیگری نیز می‌تواند در رساندن مطالب فوق یاری رسان باشد که در محدوده این نوشتار نمی‌گنجد.<sup>۱</sup>

## ۲. عصمت در گفتار و کردار پیامبر ﷺ

مطالب گذشته بیان گر این نکته بود که وحی خداوند به پیامبرش دو صورت دارد. صورت نخست، وحی آیات قرآن است که ایشان عین الفاظ را دریافت و بدون زیاده و نقصان به مردم ابلاغ کرده است و صورت دیگر دستورات خداوند به پیامبر در مواقع مختلف است که نباید در قرآن بیان می‌شد. این‌ها فعل و قول پیامبر است که فقط بیان دستورات و جزئیات دین است. پیامبری که خود آورنده دین است و جزئیات را بیان می‌کند، تمام اعمال او ملاک همان جزئیات خواهد بود.

ادامه آیه ۱۶۴ سوره آل عمران که پیش‌تر مورد بحث بود، درباره وحی صورت دوم است. «يَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» یعنی علاوه بر آیه‌های قرآن که پیامبر ایراد می‌کند، دسته‌ای از بیانات و رفتارهایی را پیامبر انجام می‌دهد که برای تربیت و تزکیه دیگران است. این امور تربیتی چه در راستای تبیین آیات و چه در امور روزمره زندگی، باید با رعایت پاکدامنی باشد؛ زیرا می‌خواهد به بیان همه شئون دین برای هدایت واقعی امت بیانجامد.<sup>۲</sup>

برخی آیات علاوه بر تزکیه و تعلیم، پیامبر ﷺ را مبین و مفسر قرآن معرفی می‌کند. وقتی خداوند پیغمبر را مَوْظَّف به تبیین آیات خود می‌کند، این معنا را می‌رساند که خود امضاکننده سخنان تبیینی ایشان است.

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ<sup>۳</sup> و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آن‌چه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.

۱. ر.ک: بقره، آیه ۲۸۵؛ نساء، آیه ۱۶۲ و ۱۶۶ و ۱۷۰؛ مائده، آیه ۱۵ و ۶۷ و ۸۳ و ۹۲ و ۱۱۷؛ اعراف: آیه ۲؛ توبه، آیه ۳۳ و آیات بسیار دیگر.

۲. ر.ک: امام شناسی، ج ۱، ص ۱۰.

۳. نحل، آیه ۴۴.

سیوطی در الدر المنثور ذیل این آیه از مجاهد نقل می‌کند که خداوند پیامبر را برای مردم فرستاد تا حجّت را بر آنان تمام گرداند؛ به این صورت که برای عدم فهم قرآن عذری نماند؛ زیرا که می‌توانستند توضیح آن را از پیامبر جویا شوند.<sup>۱</sup>

قرآن، معرفی و تفسیر معارف خود را فقط از آن پیامبر ﷺ می‌داند و به طور قطع، توضیح و تفسیر آیات باید به صورت کلام باشد که این کلام غیر از متن قرآن است. این سخنان از رسول خدا، سنت پیامبر نام گرفت که آن چه تاکنون از آن‌ها باقی مانده است؛ حدیث نام دارد.<sup>۲</sup>

هم‌چنین قرآن در کریمه‌ای دیگر، سخنان رسول خدا ﷺ را جز خواست خدا چیز دیگری نمی‌داند و پیش از آن می‌گوید:

پیامبر شما نه گمراه شده نه در نادانی مانده است و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید.<sup>۳</sup>

این‌گونه آیات بیان می‌کند که هر آن چه او می‌گوید، طبق دستور الهی است و ایشان هیچ‌گاه از جانب خود دخل و تصرفی در بیان دستورات خداوند ندارد. در روایات شیعه پیرامون این آیات، روایاتی وجود دارد که قول رسول خدا ﷺ را عین فرمایش خداوند معرفی می‌کند.<sup>۴</sup> آن چه بیان شد، آیتی از قرآن مبنی بر پارسایی قول غیر قرآنی پیامبر اکرم ﷺ بود.

قرآن کریم پیرامون رفتارهای پیامبر نیز آیه‌هایی نازل کرده است. خداوند می‌فرماید: عمل پیامبران طبق میل شخصی خودشان نیست.<sup>۵</sup> پیامبری که عملش به طور کامل طبق دستور خداوند است، خیانت نمی‌کند و خودسرانه هیچ امری را انجام نمی‌دهد. علاوه بر آن، پیامبر طبق میل دیگران هم عمل نمی‌کند. در سوره حجرات ضمن معرفی پیامبر می‌فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ<sup>۶</sup> و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از [رای و میل] شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در

۱. ر.ک: الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۱۹.

۲. ر.ک: دانش در آیه الحدیث، ص ۴۰.

۳. نجم، آیه ۲ تا ۵.

۴. کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۷۲.

۵. کهف، آیه ۸۲.

۶. حجرات، آیه ۷.

دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگانند.

قرآن نیز تأکید می‌کند که میل و اندیشهٔ انسانی پیامبر بر طبق خواست پروردگار است. هر آن چه می‌گوید عین سخن خدا و هر آن چه انجام می‌دهد مطابق امر الهی است. خداوند در آیه‌ای به پیامبرش دستور می‌دهد:

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مَنِ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ؛<sup>۱</sup> بگو: «من از [میان] پیامبران، نو در آمدی نبودم و نمی‌دانم با من و با شما چه معامله‌ای خواهد شد. جز آن چه را که به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم و من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم».

قرآن پس از بیان کلام روشن‌گرایانهٔ پیامبر و عمل الهی ایشان، سخن را در نهایت تأکید تا آنجا بالا می‌برد که می‌فرماید: پیامبر هرگز خیانت نمی‌کند.

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛<sup>۲</sup> و هیچ پیامبری را نسیزد که خیانت ورزد و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آن چه در آن خیانت کرده بیاید آن گاه به هر کس [پاداش] آن چه کسب کرده، به تمامی داده می‌شود و بر آنان ستم نرود.

در ادامه، خداوند، فرستادن چنین پیامبری را ممتی جاودان از سوی خود بر مؤمنان می‌داند.<sup>۳</sup> امام باقر (ع) بعد از بیان این آیه می‌فرماید:

خداوند راست می‌گوید و هیچ پیامبری اهل خیانت نبوده است؛ زیرا هر کس خیانتی از او سرزند در روز قیامت آن خیانت را دامن‌گیر خود خواهد دید و باعث آتش انداختنش خواهد شد.<sup>۴</sup>

امکان خیانت پیامبر با علم و ایمان ایشان در تضاد است. پس به یقین عدم خیانت از سوی پیامبر که خداوند بر آن تأکید دارد، یکی از براهین بر حجیت سخنان و افعال آن‌ها می‌باشد. از بیان آیات قرآن مبنی بر افعال و سخنان غیرقرآنی پیامبر که همگی عاری از اشتباه و خطا است؛ هم‌چنین مطلق بودن آن آیات و عدم جداسازی رفتار هدایت‌گونه از رفتار غیرهدایتی و

۱. احقاف، آیه ۹.

۲. آل عمران، آیه ۱۶۱.

۳. آل عمران، آیه ۱۶۴.

۴. کنزالدقائق، ج ۳، ص ۲۵۴.



روزمره، این نتیجه را می‌هد که خداوند همه رفتارهای ایشان را امضا نموده است و الگو و اسوه برای همه انسان‌ها معرفی کرده است. هم‌چنین پیامبر سلیقه‌ای از خود را در افعال و اقوالش دخیل نکرده و همه کردارش در مسیر رضایت خداوندی است. میل او همان میل خداوند است و این شخص در کلام و کردار پاک و منزّه است.

آنچه از بیان مراتب عصمت و آیات پیرامون آن‌ها به دست آمد، لزوم عصمت رسول خدا ﷺ در تمامی کردار و سخنان است. هم‌چنین این اطمینان از قرآن حاصل شد که هر آن سخنی که ایشان بیان می‌دارند چه قرآنی و چه غیر قرآن (سنت)، ذیل سایه دستور الهی بوده و حجتی برای مؤمنان است؛ به خصوص از اطلاق این آیات استفاده می‌شود که فرمایشات غیرقرآنی آن حضرت چه در نشر معارف و چه در امور روزمره زندگی، همگی از پیراستگی لازم برای عمل برخوردار است. بعد از بیان عصمت، گونه‌هایی دیگر از آیات دال بر حجیت سنت وجود دارد که مطرح خواهد شد.

### ب) آیات گویای برتری پیامبر ﷺ

خداوند جل جلاله در قرآن، به معرفی شخصیت فرستادگان خود به ویژه آخرین آنان - محمد مصطفی ﷺ - پرداخته است. این سخنان برای نمایاندن مقام خطیر آن حضرت نازل گشته است که این‌گونه سخن از پروردگار عالم پیرامون یک انسان، خرد را به فکر فرو می‌برد تا در مسیر سعادت، پیروی از او را بر خود لازم دارد. از طرفی دیگر، با وجود چنین الگوی انسانی در رفتار و گفتار، دیگر هیچ جای عذر و بهانه‌ای در پیشگاه عدل الهی باقی نخواهد ماند. وجود چنین انسانی در میان جامعه بشر و زیستن ایشان همچون سایرین با مشکلات روزمره، در عین حال با رعایت مکارم اخلاقی والا که قرآن بیانگر آن روش زندگی است، نشان از اسوه بودن آن مرد دارد و هم‌چنین امکان زیستن و عمل نمودن هم‌چون او را نمایش داده است. علاوه بر این خصوصیات مشهور، آن حضرت از سوی خداوند اختیاردار است و وظیفه رهبری و ارشاد خلق را بر عهده دارد. این مختاری و برخی خصوصیت‌های اختصاصی او، برتری‌اش را نسبت به بقیه مردم مسلم می‌سازد و این برتری شخصیت، نشان از آسمانی بودن گفتار و کردار ایشان است.

### ۱. صاحب اختیار بودن پیامبر ﷺ از طرف خداوند

تمام امور این عالم تحت اراده و اختیار خداوند است و هیچ کس در این جایگاه شریک او

نیست. قرآن کریم، هدایت، مُلک، عزّت، خیر، رزق، هلاکت، خلقت، عُفران<sup>۱</sup> و غیب<sup>۲</sup> را فقط مختص به ذات خداوند می‌داند؛ اما بیان می‌کند که خداوند در صورت تعلق اراده‌اش به شخصی، از اختیارات خود به او خواهد می‌بخشید. گاهی برخی از امور مختص پروردگار مثل ملکیت و پادشاهی، در ظاهر به دست افرادی از بشر است اما برخی امور وجود دارد که هر کسی قدرت انجام آن را ندارد مگر این که خداوند آن اختیار را به او داده باشد. اعطای این‌گونه از اختیارات نشان از توجّه ویژه پروردگار به آن شخص است و در نشان دادن مقام و منزلت او در پیشگاه رب عالم مؤثر است. قرآن فرموده است:

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ<sup>۳</sup> این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل بسیار است

قرآن، داننده غیب را فقط ذات اقدس خدا می‌داند و کسی نیست که بر آن غیب آگاه شود، حال اگر پیامبری، این علم غیب را از خداوند برای انجام وظایفش در اختیار داشت، می‌توان این اطمینان حاصل شود که این فرد مورد اعتماد پروردگار است. خداوند در این راستا می‌فرماید: [او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند. مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت سرشان می‌گمارد.<sup>۴</sup>

این اعتماد و اعطای برخی اختیارات خاص، همگی نشان از برتری و اسوه بودن این فرستاده الهی است. بر همین اساس است که رسول خدا بارها فرمودند:

هیچ اختیاری از سود و زیان برای خود ندارد مگر آن چه خدا از او بخواهد.<sup>۵</sup>

از جمله امور دیگر اعطایی خداوند به پیامبرش، «هدایتگری» است. هدایت مختص خداوند است. خدایی که «مشرق و مغرب از آن او است و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند»<sup>۶</sup> اما با این وجود، او پیامبر خود را موظف به انجام هدایت بشر کرده و خود در همین راستا او را

۱. آل عمران، آیه ۲۶.

۲. اعراف، آیه ۱۸۸.

۳. جمعه، آیه ۴.

۴. جن، آیه ۲۶ و ۲۷.

۵. اعراف، آیه ۱۸۸.

۶. بقره، آیه ۱۴۲.

حمایت می‌کند. در نهایت خداوند است که دل مؤمن را به اسلام پر نور می‌کند و یا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند می‌گستراند<sup>۱</sup> اما خود، فرمان رهبری و ارشاد امت را به دست نماینده‌ای از انسان سپرده است تا در مسیری که خود مشخص نموده، همه را به ساحل امن برساند. به طور قطع، به دوش کشیدن چنین مأموریتی نشان از عظمت و بزرگی شخصیت پیامبر دارد و خداوند می‌داند که چه کسی را مأمور به این وظیفه کند تا کار به سر منزل مقصود رسد. به

همین جهت است که وظیفه اصلی و اساسی پیامبر را هدایت بشر معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ<sup>۳</sup> و همین گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم. تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است؟] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می‌نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی.

هدایت‌گری با سخن و عمل پیامبر است که محقق می‌شود و با تبعیت ایمان آورندگان به هدف می‌رسد. قرآن فرستاده خدا را پیام رسان معرفی کرده که هدایت، نتیجه تبعیت از آن پیام‌های آسمانی است.

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ<sup>۴</sup> و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانی آشکار است.

همچنین پیامبر ﷺ را مبشّر و نذیر نیز معرفی می‌کند؛ یعنی بشارت دهنده پاداش الهی به مؤمنان و انذار و برحذر دارنده کافران به عذاب الهی<sup>۵</sup> که همه در راستای هدایت‌گری است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا<sup>۶</sup> ای پیامبر، ما تو را [به بسمت] گواه و بشارت‌گر و هشداردهنده فرستادیم و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک.

قرآن بیان می‌کند که خداوند، فرستاده برگزیده خود را رسالت، هدایت، علم غیب و دیگر

۱. انعام، آیه ۱۲۵.

۲. ابراهیم، آیه ۴.

۳. شوری، آیه ۵۲.

۴. تغابن، آیه ۱۲.

۵. تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۹.

۶. احزاب، آیه ۴۵ و ۴۶.

اختیارات خداوندی بخشیده و او را انتخاب کرده تا مردم با تبعیت از او خود را در مسیر صحیح قرار دهند و از ضلالت و گمراهی برهانند. وقتی خدا و رسولش امری را انتخاب و به کاری دستور می دهند، دیگر جای هیچ چون و چرا از ناحیه ایمان آورندگان نخواهد بود<sup>۱</sup> که در صورت عدم تبعیت دیگر عذری قابل قبول نخواهند داشت.

آن چه اشاره شد، همه دلیل بر صاحب اختیار بودن پیامبر از طرف خداوند است که دلیلی محکم بر برتری پیامبر است. این‌ها اشاره‌های قرآنی بر اثبات حجیت سیره و دستور پیامبر خدا ﷺ است.

## ۲. پیامبر ﷺ و خصوصیات ویژه

پیامبران الهی، همسان سایر مردم، بشر بوده‌اند و بشری می‌زیستند. هم نوع بودن فرستاده پروردگار، با سایر خلق، نشانی بر امکان درست عمل کردن و دستیابی به مقام قرب الهی است. از سوی دیگر تفاوت‌هایی میان پیامبر ﷺ با سایر مردم وجود دارد که ناشی از وظیفه خطیر رسالت و نشان از خصوصیات ویژه ایشان است. قرآن کریم پس از تذکر به همسانی در خلقت خلقی ایشان که از جهت انسانیت تفاوتی میان او و دیگران نگذاشته، اشاره‌ای هم به ویژگی‌های مختص او دارد.

آورنده کتاب آسمانی، تعلیم آن کتاب، انذار و بشارت از جمله آن تفاوت‌ها است.<sup>۲</sup> خداوند با سپردن کتابی از خود به فرستاده‌اش، او را شایسته تبعیت مردم معرفی کرده و به حق نازل شدن این نور آسمانی، سفارش اُکید دارد.<sup>۳</sup> علاوه بر کتاب، اعطای علم و حکمت به پیامبران نیز در راستای دادن کتاب الهی از علل امتیازات ایشان نسبت به سایر مردم است. خداوند که علم مطلق است با در اختیار قرار دادن علم خود نزد پیامبرش، مردم را از جهل مطلق نجات داده است. فرستاده‌ای از جنس خودشان را در میانشان روانه کرده که آیات قرآن را خوانده، آن‌ها را پاک و طاهر گردانده، کتاب و حکمت و آن چه را نمی‌دانستند به آن‌ها آموزش دهد.<sup>۴</sup> خداوند

۱. احزاب، آیه ۳۶.

۲. آل عمران، آیه ۱۶۴؛ انعام، آیه ۱۳۰؛ اعراف، آیه ۳۵ و ۶۳ و ۶۹؛ یونس، آیه ۲؛ یس، آیه ۱۵ و ۱۶ و ۱۷؛ جمعه، آیه ۲.

۳. بقره، آیه ۲۱۳.

۴. بقره، آیه ۱۵۱.

کتاب و حکمت را علاوه بر هدایت مردم، باعث نجات خود پیامبر ﷺ نیز می‌داند و آن را فضل و رحمت بزرگی از سوی خود بر وی می‌شمرد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم «وحی» را از دیگر تفاوت‌هایی می‌داند که پیامبر ﷺ با سایر مردم دارد.<sup>۲</sup> وحی همان نقطه اتصال بشر با خالق خود است که چشمه معارف الهی برای هدایت انسان‌ها خواهد بود. علاوه بر وحی، دلسوز بودن پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان که حریص به هدایت آنان و

ناتوان در دیدن رنج و سختی آن‌ها است، نیز از ویژگی‌های پیامبر شمرده شده است:  
لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛<sup>۳</sup>  
قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.

قرآن تمام این امتیازات را متی از سوی خدا بر بندگان و عبادت‌کنندگان قرار داده است.<sup>۴</sup> متفاوت از همه خصوصیت‌های ذکر شده، مهم‌ترین امتیاز پیامبر ﷺ، اخلاق بزرگوارانه اوست که با خطاب «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۵</sup>، خلق را به تماشای درخت پیر خُلقِ خداوندی دعوت می‌کند. خُلقِ والا و اخلاق نیکوی او، یک شاکله پسنندیده انسانی است که در امر پذیرش رسالت و هدایت مردم نقش بنیادین دارد. خداوند با بیان اخلاق سترگ پیامبر خود، او را الگویی راستین در خُلق و خوی شناسانده و خرد را به سوی آن اسوه ارشاد نموده است؛ زیرا که عقل آدمی او را بر کسب فضیلت اخلاقی و دوری از رذیلت، ارشاد و در راه شناخت نیکی از پستی رهنمون می‌سازد. در کتاب شریف *الکافی*<sup>۶</sup> روایتی از امام صادق ع نقل شده که ایشان به بعضی از اصحاب قیس ماصرا این چنین فرمودند:

همانا خدای عزوجل پیغمبرش را تربیت کرد و چه نیکو تربیت کرد. چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: «تو بر خُلقِ عظیمی استواری». سپس، امر دین و امت را به او واگذار فرمود تا سیاست بندگان را به عهده گیرد. سپس فرمود: «آن چه را رسول برای شما آورده بگیرید و از

۱. نساء، آیه ۱۱۳.

۲. کهف، آیه ۱۱۰؛ فصلت، آیه ۶.

۳. توبه، آیه ۱۲۸.

۴. ابراهیم، آیه ۱۱.

۵. «وراستی که تو را خوبی والاست»، قلم، آیه ۴.

۶. *الکافی*، ج ۱، ص ۶۰۰.

آن چه شما را نهی کرده باز ایستید». همانا رسول خدا ﷺ استوار و موفق و مؤید به روح القدس بود، نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت و به آداب خدا تربیت شده بود...<sup>۱</sup>

قرآن با بیان خاتمیت رسل توسط حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می‌فرماید:  
 مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا<sup>۲</sup> محمد پدر هیچ يك از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره بر هر چیزی داناست.

بیان تمام این خصوصیات ویژه برای پیامبر خدا ﷺ نشان از برتری و فضیلت ایشان داشته، عقل را بر لزوم تبعیت و اسوه قراردادن چنین شخصیتی ملزم می‌کند. آن چه از بیانات قرآن پیرامون صاحب اختیار بودن پیامبر از جانب خدا، رهبری و هدایت امت و خصوصیات ویژه ایشان استفاده می‌شود، همه در راستای معرفی کامل آن شخصیت است که در همه حال مطیع خدای خود بوده و بشری که قصد نیل به سعادت دارد باید راه او را سرلوحه و عمل و فرمایش او را حجت بر اعمال و کردار خویش قرار دهد.

### ج آیات گویای لزوم تبعیت از پیامبر ﷺ

آن چه پیش‌تر از عصمت پیامبر اکرم ﷺ و برتری ایشان نسبت به سایر خلق از نظر گذشت، دلیل‌هایی قرآنی بر حجت دانستن سنت نبوی بود. اگر چه آن دو امر، التزام به سنت را برای مؤمنان به صورت عقلی واجب می‌نمود، آیه‌های دیگری وجود دارد که به طور آشکار دستور به همراهی با سنت می‌دهد. آیاتی که دستور به تبعیت از پیامبر و منع از سرپیچی ایشان را بیان می‌کند. این آیات را می‌توان به این گونه تقسیم کرد. نخست آیاتی است که هدف بعثت رسول خاتم را به گونه‌ای مشخص کرده که اگر با تبعیت مسلمانان همراه نشود، به سر منزل مقصود نخواهد رسید. دوم آیه‌هایی است که گردن نهادن به دستورات نبوی را لازم می‌داند و در نهایت از سرپیچی اوامر پیامبر خدا ﷺ به شدت بازداشته است.

#### ۱. هدف از بعثت پیامبر ﷺ

خداوند حکیم، اهدافی برای فرستادن پیامبران به سوی مردم داشته است. اصلی‌ترین

۱. ترجمه کمره‌ای بر اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۵.

۲. احزاب، آیه ۴۰.

هدف در ارسال پیامبران، هدایت خلق است و هدایت علاوه بر این که از امور اختصاصی خداوند و اعطایی به پیامبر محسوب می‌شود، از جمله اهداف رسالت نیز می‌باشد. این امر تنها با تبعیت دیگران است که تحقق پیدا خواهد کرد.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به توفیق الهی از او اطاعت کنند.

در الدر المنثور ذیل این آیه نقل شده که بر مردم [عقلا] واجب است که کسی را جز به دستور الهی اطاعت نکنند؛<sup>۲</sup> چرا که هدف از زندگی در سایه دین، رسیدن به اوج کمال و سعادت است که خالق در هنگام خلق بشر مقرر نموده است.

مسیر هدایت‌گری پیامبر، دارای ره توشه‌های مختلفی است که برخی از آن‌ها را قرآن بیان کرده است. برخی جنبه فردی داشته و برخی ناظر به جامعه مسلمانان است. قیام قسط و عدل در جامعه یکی از امور اجتماعی در مسیر هدایت بشر است. ایجاد انصاف، قسط و عدالت در میان مردم از اهدافی است که فرستاده شدن پیامبران با دلایلی آشکار، به همراه کتاب و میزان، از آن جهت است و همگی برای رشد و هدایت جامعه بشری است.<sup>۳</sup> اگر تحقق عدالت محض در جامعه، فقط به دست پیامبر است؛ پس تنها با پیروی امت مسلمان از فرامین آن حضرت به وقوع خواهد پیوست.

در کنار عدالت، ایمان مسلمانان است که از جمله هدف‌های پیامبر محسوب می‌شود که در ابتدا جنبه فردی دارد. ایمان دارای مراتبی است که از قبول وحدانیت خدا و رسالت رسول، آغاز و مراتب بالاتر آن مبتنی بر گردن نهادن بر آن دستورات و عمل به آن‌ها در مسیر کمال است. ایمان به خدا بر پایه ایمان به فرستاده‌اش استوار خواهد بود. پیامبر، حقیقت را از سوی پروردگار برای مردم آورده و ایمان به خود او و به آن‌چه او آورده، مهم‌ترین راه برای وصول کمال انسانی می‌باشد.<sup>۴</sup> لطف خالق، اقتضای دستگیری خلق دارد و او راه دستگیری را در تبعیت از نماینده خود قرار داده است. خداوند توانا و حکیم، پیامبرانی بشارت‌گر و هشداردهنده فرستاده تا برای

۱. نساء، آیه ۶۴.

۲. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. حدید، آیه ۲۵.

۴. نساء، آیه ۱۷۰.

مردم، در مقابل خدا بهانه‌ای نداشته باشند.<sup>۱</sup> امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

پس خداوند رسولانش را برانگیخت و پیامبرانش را به دنبال هم به سوی آنان گسیل داشت تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند و نعمتهای فراموش شده او را به یادشان آرند و با ارائه دلایل بر آنان اتمام حجت کنند و نیروهای پنهان عقول آنان را برانگیزانند و نشانه‌های الهی را به آنان بنمایانند ... خداوند سبحان بندگان را بدون پیامبر یا کتاب آسمانی یا حجتی لازم یا نشان دادن راهی روشن رها نساخت.<sup>۲</sup>

خداوند در آیاتی دیگر فرستادن پیامبر و تبعیت از ایشان را برای دور شدن مردم از عذاب الهی،<sup>۳</sup> جلب محبت خداوند و غفران گناهان،<sup>۴</sup> در نهایت رسیدن به رستگاری و فوز عظیم<sup>۵</sup> دانسته است و در مقابل، عدم تبعیت را داخل شدن در ضلالت و گمراهی می‌داند.<sup>۶</sup> تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت نیز از دیگر اهداف برشمرده شده برای پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن است. آیه ۱۶۴ سوره آل عمران که پیش‌تر برای بیان مراتب عصمت به آن استناد شد<sup>۷</sup> و آیاتی دیگر، این اهداف را برشمرده و در آن راستا دستور می‌دهد که:

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۸</sup> و پند ده، که مؤمنان را پند سود بخشد.

هم‌چنین رفع نزاع و اختلاف نظر در میان جامعه مسلمانان که از دیگر اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله است، او را موظف نموده تا با بیان خود حل‌کننده اختلافات میان امت اسلامی باشد. حال این اختلاف از هر نوع که باشد، پیامبر خاتمه آن خصومت‌ها است. خداوند خطاب به مؤمنان، برای بیان این وظیفه پیامبر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛<sup>۹</sup> ای کسانی که

۱. نساء، آیه ۱۶۵.

۲. کنز الدقائق، ج ۳، ص ۵۹۳؛ نهج البلاغه صبحی صالح، ج ۱، ص ۴۳؛ ترجمه نهج البلاغه استاد انصاریان، ص ۵۱.

۳. اسراء، آیه ۱۵.

۴. آل عمران، آیه ۳۱.

۵. احزاب، آیه ۷۱.

۶. احزاب، آیه ۳۶.

۷. همین مقاله، بخش الف، فصل ۲.

۸. ذاریات، آیه ۵۵.

۹. نساء، آیه ۵۹.



ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام‌تر است.

این آیه از مهم‌ترین آیات در بحث حجیت سنت پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام محسوب می‌شود که پس از دستور صریح به تبعیت محض از خدا، رسول و صاحبان امر، کلام خدا و سخن پیامبر را بهترین نظر در رفع اختلاف‌ها و تفاوت در برداشت‌ها معرفی می‌کند؛ به خصوص در مورد تبیین معارف قرآنی و اختلافات در فهم آن، فقط پیامبر و معصومان هستند که بیان‌کننده مفاهیم آن هستند. اگر حجیت درباره کلام ایشان معتبر نباشد پس چگونه می‌تواند ختم نزاع و اختلافات علمی و عملی قرار گیرد؟ به طور قطع اگر پشتوانه امر الهی، کلام پیامبر را در بر نگیرد اطمینانی از عمل برایش حاصل نخواهد شد.

آنچه گذشت بیان‌گر این نکته بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در راستای تحقق اهداف پیامبری‌اش با وظایفی که بر عهده دارد، به رهبری جامعه اسلامی و حتی جامعه‌ای جهانی حرکت کرده است. تمام گفتار و کردار ایشان برای نیل به مقصود و الگوبودن جهت پیروی خلق بوده و رهبری ایشان همواره همراه با نکات، دستورالعمل‌ها، نصیحت‌ها و حتی تهدیدهایی همراه بوده که قرآن بر این بیانات مهر تأیید نهاده است.

## ۲. دستور به تبعیت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

آنچه تاکنون از قرآن به دست آمد، آیاتی استدلال‌گونه در اثبات عصمت و برتری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود که لزوم تبعیت از آن حضرت را در پی داشت. علاوه بر آن‌ها، قرآن حجّت را تمام نموده و دستور مستقیم به پیروی از پیامبر خدا داده است؛ بنابراین تخطی از فرمان مستقیم خداوند، عقاب و سرزنش در پی خواهد داشت. این آیات به صورت‌های مختلفی وارد شده است: صورت نخست، آیاتی است که به طور مستقیم و با صیغه امر، دستور به تبعیت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دهد:

مَاءَ آتِيكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ آن چه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آن چه شما را بازداشت، بازایستید.

بنابر روایات فریقین خداوند امر دین و امت را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داده و مردم برای حفظ دین

خود باید به ایشان مراجعه و به دستورات او عمل کنند.<sup>۱</sup> تمام آیاتی که امر به اطاعت دارد (اطیعوا) از این دسته‌اند.

صورت دوم، آیاتی است که تبعیت از پیامبر را برابر تبعیت از خداوند می‌داند: هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده و هر کس رویگردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم.<sup>۲</sup>

این دسته از آیات، بیان‌گر این است که اراده پیامبر مطابق اراده الهی است و فرمایش او آینه کلام خداوند است و به یکسانی تبعیت خدا و رسول اشاره دارد. آیاتی دیگر این برابری را به صورت دیگر و با عطف بیان می‌کند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتُم مِّنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛<sup>۳</sup> جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برای ایشان آمرزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است.

قرآن، مؤمن را کسی می‌داند که پس از ایمان به خدا و رسولش از او در مسیر اطاعت الهی تبعیت کند تا خدا او را مشمول رحمت خویش بگرداند.<sup>۴</sup> این آیات که بیش از صد مورد در قرآن تکرار شده است؛ با آوردن واو عطف بین «الله» و «رسول» هر حکمی که برای خداوند بیان می‌شود را همان‌طور برای پیامبر قرار داده است. البته ایمان در مرحله نخست، پذیرش پیامبری پیامبر است و این پذیرش باید با حجیت سنت همراه باشد؛ چرا که در غیر این صورت قبول پیامبری پیامبر و عدم اطاعت از او یا عدم یقین به درستی عمل و کلام او هیچ فایده‌ای ندارد و هدف از رسالت محقق نمی‌شود.

صورت سوم از آیات، پیروی از پیامبر را شرط ایمان و هدایت می‌داند. آن‌جا که می‌فرماید «از

۱. کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۱۶۶ به نقل از عیون اخبار الرضا و الکافی؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۹۴.

۲. نساء، آیه ۸۰.

۳. نور، آیه ۶۲.

۴. توبه، آیه ۷۱.

خدا و پیامبرش اطاعت کنید که اگر اطاعت کنید همانا هدایت خواهید شد»<sup>۱</sup> و یا در توصیف اهل ایمان آن‌ها را کسانی معرفی می‌کند که همگی به خدا، فرشتگان، کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند و می‌گویند:

ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ<sup>۲</sup> میان هیچ يك از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آموزش تو را خواستاریم و فرجام ما به سوی تو است.

روشن است که این‌گونه از آیات شرط ایمان را تنها در پیروی از پیامبر ﷺ می‌داند و این را تنها راه سعادت برمی‌شمرد.

در نهایت خداوند بیان می‌کند که هر آن چه پیامبر می‌گوید و عمل می‌کند برای شما سرمشقی نیکو است و برای هر کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد و خدا را یاد می‌کند لازم است که از ایشان در همه امور تبعیت کند.<sup>۳</sup> این‌گونه آیات دستور صریح به پیروی بی‌چون و چرا دارد، حجت را تمام کرده، جایگاهی رفیع برای سنت او نشان داده و برای متخلفان از دستورات ایشان جای هیچ عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است.

### ۳. نهی از هرگونه اعتراض، سرپیچی و جلافتادن از پیامبر ﷺ

دستور به پیروی از پیامبر ﷺ و در مقابل آن، توبیخ از هرگونه سرپیچی، اعتراض، خود برتری و در نهایت اذیت پیامبر، همه از دستورات مستقیم خداوند در قرآن کریم است.

خداوند پیشی جستن در هر کاری از پیامبر را برای مؤمنان ممنوع دانسته و دستور به تقوا داده است تا آن‌جا که حتی از بلند کردن صدا در پیشگاه پیامبرش نهی نموده و در آخر برای رعایت‌کنندگان ادب در پیشگاه ایشان، پاداشی بزرگ مقرر فرموده است.<sup>۴</sup> روی برگرداندن از پیامبر ﷺ و از دستورات او جزو موارد نهی قرآنی است و برای مردم عدم تبعیت از دستورات پیامبرشان را امری ناپسند معرفی کرده است و خوش نمی‌دارد کسی جان خود را بر نفس و جان

۱. نور، آیه ۵۴.

۲. بقره، آیه ۲۸۵.

۳. احزاب، آیه ۳۳.

۴. حجرات، آیه ۱، ۲، ۳.

رسول عزیزتر بدارد.<sup>۱</sup>

هم چنین اعتراض به پیامبر ﷺ - اعتراض لسانی یا قلبی - همانند موارد پیش منع شده است. قرآن کریم با بیان این مطلب که اگر کسی پس از آشکارشدن امر هدایت و ارشاد پیامبر با ایشان به مخالفت برخیزد، راهی غیر از راه مؤمنان واقعی را پیش رو قرار داده و خدا او را به آن چه روی خود را بدان سو کرده واگذارد که در نهایت چه سوءعاقبتی برای او خواهد بود.<sup>۲</sup> همین معامله برای اعتراض کنندگان و کسانی که به قصد نافرمانی، مخفیانه نجوا می کنند نیز وجود خواهد داشت که همه بر خلاف مسیر تقوای الهی است.<sup>۳</sup>

عده ای اذیت و آزار مردم را ملازم کار خود قرار داده اند تا آن جا که از رنجاندن پیامبر خدا نیز خودداری نکرده اند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعن نموده و مورد دورباش خود قرار داده و برای ایشان عذابی خفت بار آماده ساخته است.<sup>۴</sup> علاوه آنان که بدون قصد آزار بلکه گلایه وار وارد بر پیامبر ﷺ شده و باعث رنجش ایشان می شوند نیز مورد بازخواست واقع شده اند. امام جعفر صادق علیه السلام در این باره فرمودند: شبی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز عشاء را به تأخیر انداخت. یکی از اصحاب در حالی که از تأخیر پیش آمده گلایه مند بود به در خانه ایشان آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جواب آن شخص فرمودند:

لیس لکم أن تؤذونی ولا تأمرونی، إنما علیکم أن تسمعوا و تطیعوا؛<sup>۵</sup> شما مردم حق ندارید من را اذیت کنید و یا به من امر کنید بلکه بر شما است که کلام من را بشنوید و اطاعت کنید.

این آیه علاوه بر برخورد ناپسندانه و اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نافرمانی و عدم تبعیت از دستورات ایشان را نیز آزار به حساب آورده است. همگی این امور باعث رنجش رسول خدا می شده و مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است. پس اگر نافرمانی در زمان رسول خدا نهی شده، چرا نافرمانی و بی احترامی پس از ایشان این حکم را نداشته باشد؟!

از آن چه تاکنون بیان شد، لزوم رعایت ادب و احترام در برابر شخصیت نبی اسلام با تبعیت و

۱. توبه، آیه ۱۲۰.

۲. نساء، آیه ۱۱۵.

۳. مجادله، آیه ۹.

۴. احزاب، آیه ۵۷.

۵. کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

فرمان برداری روشن گشت و هر نوع آزار و رنجش خاطر شریفش چه در زمان حیات و چه پس از آن، به دور از ایمان قرار گرفت. تنها چنین سفارشی، برای برترین از افراد است که عمل و سخن آنان الگو و عقلاً واجب الاطاعه است.

پس همانا هدف از ارسال پیامبر و دستور به پیروی و نهی از سرپیچی، همگی برای هدایت و سیر مسیر سعادت است که بی تردید هیچ کدام جز در ذیل تبعیت محقق نخواهد شد. تبعیتی که ملازم حجیت بخشی سنت نبوی به شمار می آید.

## نتیجه گیری

پس از بررسی آیه های قرآن کریم با نگاه حجیت بخشی به سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم می توان به یک نتیجه کلی در همه آیات رسید و آن هم بی عیب و نقص بودن سیره و سنت ایشان در همه ابعاد آن است. چرا که عصمت در همه مراتب آن، برای شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمایان گر اعتقاد به درستی در دریافت و ابلاغ وحی می باشد و این عقیده در پذیرش احادیثی که از صدور آن اطمینان وجود دارد مؤثر است.

برتری شخصیت پیامبر اسلام در پیشگاه خداوند نسبت به سایر خلق شدگان، نیز دلیل بر برتری دستور، کلام و کردار ایشان خواهد بود. آن آیه ای که گویای این برتری است و هم چنین آیات دال بر عصمت، با استدلالی عقلی، حجیت سنت پیامبر را بیان می کند. در کنار آن ها، آیه هایی که با دستور صریح به تبعیت و بازداشت از سرپیچی از فرستاده خدا، امر به فرمان برداری بی چون و چرا از پیامبر دارد، بدون هیچ واسطه ای حجیت سنت و احادیث صادره را به ارمغان می آورد.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه استاد فولادوند.
۲. أصول العامه فى الفقه المقارن، محمد تقى حکيم، نشر مجمع جهانى اهل بيت، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸ق.
۳. اصول الكافى، ترجمه كمره‌اى، انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۴. امام شناسى، سيد محمد حسين حسيني طهرانى، انتشارات علامه طباطبايى، طبع هفتم، ۱۴۳۰ق.
۵. تفسير القمى، على بن ابراهيم قمى، نشر دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۶. دانش درايه الحديث همراه با نمونه‌هاى حديثى و فقهي، محمد حسن ربانى، دانشگاه علوم اسلامى رضوى، چاپ هفتم، ۱۳۹۰ش.
۷. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، جلال الدين سيوطى، دار المعرفه للطباعه و النشر، بيروت لبنان، بى تا.
۸. جان جهان پيامبر اعظم ﷺ، سيد حسين كلانتر، نشر اسراء، ۱۳۸۵ش.
۹. حجية السنه، عبد الغنى عبد الخالق، دار الوفاء، ۱۴۰۷ق.
۱۰. الصحاح، اسماعيل بن حماد جوهرى، تصحيح احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملايين، چاپ اول، ۱۳۷۴ق.
۱۱. عيون اخبار الرضا عليه السلام، محمد بن على بن بابويه، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۱۲. الفروق فى اللغة، حسن بن عبدالله عسكرى، نشر دار الارفاق الجديده، چاپ اول، سال ۱۴۰۰ق.
۱۳. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۱۴. الميزان فى تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبايى، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. كنز الدقائق، محمد بن محمدرضا مشهدى قمى، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۸ش.
۱۶. نهج البلاغه، سيد رضی، تحقيق صبحی صالح، نشر هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۷. نهج البلاغه، سيد رضی، ترجمه حسين انصاريان، نشر پیام آزادی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶ش.